

از من پرسید؟

جلد اول

۳۱۳ پرسش و پاسخ از علی (علیه السلام)

در نهج البلاغه

• مؤلف: حجت الاسلام سید کیا میر میرزا

سرشناسه:	میرمیران، سیدکیا، ۱۳۴۸-، گردآورنده
عنوان و نام پدید آور:	از من بپرسید؟ / مولف: سیدکیامیرمیران
مشخصات نشر:	آمل: طالب آملی، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری:	جلد ۱ - ۲۰۸ صفحه
شابک:	۳-۲۰-۲۸۲۸-۹۶۴-۹۷۸: ۷۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی:	فیا.
یادداشت:	کتابنامه.
مندرجات:	ج. ۱. ۳۱۳ پرسش از علی علیه السلام در نهج البلاغه.
موضوع:	علی ابن ابیطالب علیه السلام ، امام اول، ۲۳ قبل هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه - پرسش ها و پاسخ ها
رده بندی کنگره:	۱۳۹۲ ۴ الف م / ۰۹۵ / ۳۸ BP
رده بندی دیسی:	۲۹۷/۹۵۱۵
شماره کتابشناسی ملی:	۳۳۳

نویسنده:	سید کیامیران
ناشر:	انتشارات طالب آملی ۰۹۱۱۱۰۰۷۵۸۷
طراح جلد:	حسن علامه زاده
نوبت چاپ:	اول
شمارگان:	۲۰۰۰
شابک جلد اول:	۳-۲۰-۲۸۲۸-۹۶۴-۹۷۸
صفحه آرای:	حسن علامه زاده
لیتوگرافی:	فانوس - ۰۱۲۱ ۳۲۴۸۸۴۱
چاپخانه:	شرکت تعاونی مجتمع چاپ و بسته بندی نسرين آمل- ۰۱۲۱ ۳۲۳۸۲۲۸
صحافی:	شرکت تولیدی دفترسازی نسرين - ۰۱۲۱ ۳۲۳۸۲۲۸

این کتاب برابر مجوز ۱۳۵-۱/۱۲۴۳۱۵۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۱۷ صادره از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، منتشر می گردد.
حق چاپ برای مولف محفوظ می باشد.

بهاء: ۷۰۰۰۰ ریال

۲۳	 گفتار
۳۴	 ملامت
	خطبه اول: (همه فرشتگان را می‌توانند)
۳۶	پرویشی ۱ عاجزان و درم‌سازان
۳۶	پرویشی ۲ سرآغاز دین چیست؟
۳۷	پرویشی ۳ شناخت خدا
۳۷	پرویشی ۴ باور داشتن خدا
۳۷	پرویشی ۵ کمال توحید
۳۷	پرویشی ۶ کمال اخلاص
۳۸	پرویشی ۷ چگونه انسان دچار طرح دوخدایی می‌شود؟
۳۸	پرویشی ۸ انسان درچالش توهم (خدا کجاست؟)
۳۹	پرویشی ۹ ویژگی خلقت موجودات
	پرویشی ۱۰ خلقت آگاهانه موجودات
۳۹	پرویشی ۱۱ آسمان خانه فرشتگان است
۴۰	پرویشی ۱۲ خصوصیات فرشتگان
۴۰	پرویشی ۱۳ ویژگی فرشتگان
۴۰	پرویشی ۱۴ خصلت و وظیفه فرشتگان

۴۱	پرسش ۱۵	مراتب فرشتگان
۴۱	پرسش ۱۶	نحوه خلقت آدم علیه السلام
۴۲	پرسش ۱۷	روح الهی در کالبد بشر
۴۲	پرسش ۱۸	ویژگیهای انسان کامل
۴۳	پرسش ۱۹	چرا ابلیس سجده نکرد؟
۴۳	پرسش ۲۰	خدا آدم را از شیطان می ترساند
۴۴	پرسش ۲۱	حسادت شیطان
۴۴	پرسش ۲۲	وعده بهشت به آدم علیه السلام (سودپیمانی از گناه)
۴۵	پرسش ۲۳	دنیا، محل آزمون
۴۵	پرسش ۲۴	خداوند از پیامبران
۴۵	پرسش ۲۵	پیامبران در چه وقت مبعوث می شدند؟
۴۶	پرسش ۲۶	دیان الهی در همه اعصار
۴۶	پرسش ۲۷	هیچ پیامبری در تمام وظیفه کوتاهی نمی کند
۴۷	پرسش ۲۸	بعثت پیام صلی الله علیه و آله چرا
۴۷	پرسش ۲۹	پیامبری که خداوند از میان ایشان برگزید
۴۷	پرسش ۳۰	پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ، و نبوت مردم از سراسر
۴۸	پرسش ۳۱	امامت پس از نبوت
۴۸	پرسش ۳۲	نقش جانشینان پیامبران
۴۹	پرسش ۳۳	ویژگیهای قرآن
۴۹	پرسش ۳۴	تغییرات احکام در قرآن
۵۰	پرسش ۳۵	مراتب محرمات
۵۰	پرسش ۳۶	ویژگی خانه خدا (مکه)
۵۰	پرسش ۳۷	کعبه مظهر تواضع بندگان خدا
۵۱	پرسش ۳۸	مقام بندگان خدا ، در طواف حرم الهی
۵۱	پرسش ۳۹	کعبه نشانه اسلام ... است

خطبه دو: (راه سعادت و گمراهی)

۵۲	پرسش ۴۰	استواری ایمان
----	---------	---------------------

پرسش ۴۱	ویژگی پیامبر اسلام ﷺ	۵۲
پرسش ۴۲	پیامبر ﷺ دارای نشانه می باشد	۵۳
پرسش ۴۳	فتنه عامل گرفتاری مردم	۵۳
پرسش ۴۴	چالش مردم در عصر پیامبر ﷺ	۵۳
پرسش ۴۵	بادست مردم جاهل نشانه های شیطان آشکاری شود	۵۳
پرسش ۴۶	زندگی مردم جاهل در عصر بعثت	۵۴
پرسش ۴۷	جایگاه اهل بیت پیامبر ﷺ	۵۴
پرسش ۴۸	حفظ دین بوسیله اهل بیت علیهم السلام	۵۵
پرسش ۴۹	فاسدان	۵۵
پرسش ۵۰	نمایندگان پیامبر ﷺ با دیگران	۵۵
پرسش ۵۱	عزت پیامبر ﷺ	۵۶
خطبه سه: (ماجرای سقیه، «غصب خلافت»)		
پرسش ۵۲	آیا ابوبکر جایگاه پیامبر ﷺ را نمی دانست؟	۵۷
پرسش ۵۳	تدبیر امام علی علیه السلام از سبب خلافت	۵۷
پرسش ۵۴	چگونه خلافت را به پیشوایان سپردند	۵۸
پرسش ۵۵	ارزیابی امام از خلیفه اول و دوران	۵۸
پرسش ۵۶	ناراحتی و رنج مردم در زمان خلافت	۵۸
پرسش ۵۷	شکبیانی امام علی علیه السلام در دوران انزوا	۵۹
پرسش ۵۸	زاممداری از نگاه امام علی علیه السلام	۵۹
پرسش ۵۹	عثمان چگونه به خلافت رسید؟	۶۰
پرسش ۶۰	عثمان، و توصیف آن از زبان امام علی علیه السلام	۶۰
پرسش ۶۱	عثمان و بیت المال	۶۰
پرسش ۶۲	بعد از مرگ عثمان چه گذشت؟	۶۱
پرسش ۶۳	سه گروه مردم در حکومت امام علی علیه السلام (ناکثین-مارقین-قاسطین)	۶۱
پرسش ۶۴	امام علی علیه السلام و پذیرش خلافت با آن همه دشمنی	۶۱
پرسش ۶۵	ارزش دنیا برای امام علی علیه السلام	۶۲

خطبه چهار: (نجات از تاریکی های جهالت)

- پروشی ۶۳ هدایت و سعادت بشر به دست امام علیه السلام
- پروشی ۶۳ چرا حقیقت در بعضی ها اثر ندارد؟
- پروشی ۶۴ قلب پایدار
- پروشی ۶۴ تظاهر مردم بصره به دینداری
- پروشی ۶۴ امام علیه السلام و فتح بصره
- پروشی ۶۴ سخن امام با مخالفان خود در بصره (هرگز در حق شک نکردم)
- پروشی ۶۵ تکنیک کناره گیری امام علیه السلام
- پروشی ۶۵ توصیف دو راه حق و باطل

خطبه پنج: (وای فتنه)

- پروشی ۶۶ وظیفه مردم در مواجهه با فتنه
- پروشی ۶۶ علت سکوت امام علیه السلام در جریان سقیفه

خطبه شش: (تعقیب طلحه و زبیر)

- پروشی ۶۸ به خدا سوگند هرگز با فتنه ر نمی شوم
- پروشی ۶۸ رویگردانی طلحه و زبیر از حق
- پروشی ۶۹ محروم ماندن امام علیه السلام از حق خویش

خطبه هفت: (نفوذ شیطان در انسان)

- پروشی ۷۰ علت انحراف و نفوذ شیطان در بعضی ها

خطبه هشت: (بیعت طلحه و زبیر در غدیر خم)

- پروشی ۷۱ طلحه و زبیر در غدیر خم
- پروشی ۷۱ بی وفایی طلحه و زبیر در بیعت با امام علیه السلام

خطبه نه: (معرفی طلحه و زبیر)

- پروشی ۷۲ توصیف امام علیه السلام نسبت به طلحه و زبیر

خطبه ده: (جنگ جمل)

- پروشی ۷۳ عایشه و جنگ جمل
- پروشی ۷۳ تهدید امام علی علیه السلام به اصحاب جمل

خطبه یازده: (محمد حنفیه در جنگ جمل)

پروشی ۸۵ سفارش امام به فرزندش، محمد حنفیه در جنگ جمل ۷۵

خطبه دوازده: (ثواب عمل)

پروشی ۸۶ ثواب عمل به نیت قلبی ۷۶

پروشی ۸۷ پس او هم در جنگ یا ما بود ۷۶

خطبه سیزده: (پیروان حیوان «شتر عایشه»)

پروشی ۸۸ خطاب امام به سپاه جمل ۷۸

پروشی ۸۹ مرد می وفای بصره در جنگ جمل ۷۸

پروشی ۹۰ بی با مردم نکوهیده بصره ۷۹

پروشی ۹۱ وصی بصره ۷۹

پروشی ۹۲ پسر بین امام مع به سرزمین و مسجد بصره ۷۹

خطبه چهارده: (عقل و استیلا)

پروشی ۹۳ نکوهش مردم بصره از آغاز جنگ جمل ۸۱

خطبه پانزده: (تاراج بیت المال)

پروشی ۹۴ برخورد امام علیه السلام در تاراج بیت المال توسط عثمان ۸۲

خطبه شانزده: (پایبندی به گفتار)

پروشی ۹۵ آنچه را می گویم به عهده می گیرم ۸۳

پروشی ۹۶ حفظ انسان از سقوط در شبهات ۸۳

پروشی ۹۷ مدیریت حق و باطل ۸۳

پروشی ۹۸ علی علیه السلام اسوه حق ۸۴

پروشی ۹۹ خبر امام علیه السلام از آینده خلافت خود ۸۴

پروشی ۱۰۰ توصیف امام علیه السلام از گناه و تقوا ۸۴

پروشی ۱۰۱ سخنی با طرفداران حق و باطل ۸۵

پروشی ۱۰۲ اهل تلاش ۸۵

پروشی ۱۰۳ مردم در رویارویی با حق سه دسته اند ۸۵

پروشی ۱۰۴ راههای سعادت و گمراهی ۸۶

- پرسش ۱۰۵ سرنوشت مدعیان باطل ۸۶
- پرسش ۱۰۶ هر کس با حق درافتد، ورافتد ۸۶
- پرسش ۱۰۷ نادانی انسان ۸۶
- پرسش ۱۰۸ کدام کار نابود نگردد ؟ ۸۷
- پرسش ۱۰۹ سفارش امام به مردم مدینه ۸۷

خطبه هفده: (بدترین ها)

- پرسش ۱۱۰ بدترین مردم نزد خدا ۸۸
- پرسش ۱۱۱ خصوصیات قاضی نماها ۸۹
- پرسش ۱۱۲ قضات ناشایست منصوب خلفای قبل ۸۹
- پرسش ۱۱۳ مردم جاهل ۹۰
- پرسش ۱۱۴ شایستگی امام از مردم جاهل، نزد خدا ۹۱

خطبه هجده: (در توبه و توبه اهل رأی)

- پرسش ۱۱۵ خود محور، د... ضاوت ۹۲
- پرسش ۱۱۶ خدشه... و حر... خدا ۹۳
- پرسش ۱۱۷ تعدد و تغیر در... ۹۴
- پرسش ۱۱۸ امکان اختلاف در... نیست ۹۴
- پرسش ۱۱۹ ظاهر و باطن قرآن ۹۱

خطبه نوزده: (اشعث بن قیس)

- پرسش ۱۲۰ جواب امام علیه السلام به اعتراض اشعث بن قیس ۹۵
- پرسش ۱۲۱ دومرحله اسارت اشعث بن قیس ۹۵
- پرسش ۱۲۲ اشعث بن قیس کیست ؟ ۹۶

خطبه بیست: (اسرار پس از مرگ)

- پرسش ۱۲۳ چرا اسرار بعد از مرگ بر ما پنهان است؟ ۹۷
- پرسش ۱۲۴ نشان دادن حقایق ۹۷

خطبه بیست و یک: (مرگ و قیامت)

- پرسش ۱۲۵ مرگ و قیامت کجاست؟ ۹۸

خطبه بیست و دو: (ناکثین)

- پرسش ۱۳۱ اراده‌ی پلیدانه اصحاب جمل ۹۹
- پرسش ۱۳۲ اصحاب جمل از امام علیه السلام چه می‌خواستند؟ ۹۹
- پرسش ۱۳۳ اصحاب جمل امام علیه السلام را در رختن خون عثمان شریک می‌دانند ۱۰۰
- پرسش ۱۳۴ تعبیر امام علیه السلام نسبت به جفاکاری ناکثین ۱۰۰
- پرسش ۱۳۵ درخواست اصحاب جمل از امام علیه السلام ۱۰۱
- پرسش ۱۳۶ جواب سربچی ناکثین ، شمشیر است ۱۰۱
- پرسش ۱۳۷ تعبیر امام علیه السلام از گروه ناکثین ۱۰۱

خطبه بیست و سه: (تقدیر خداوند)

- پرسش ۱۳۸ تقدیر خداوند ۱۰۲
- پرسش ۱۳۹ برتری نسبت به دیگران ۱۰۲
- پرسش ۱۴۰ دو خوبی نصیب مسلمانان ۱۰۳
- پرسش ۱۴۱ محصول دنیا و آخرت ۱۰۳
- پرسش ۱۴۲ پرهیزکاری ۱۰۳
- پرسش ۱۴۳ توصیه به عمل صالح ۱۰۴
- پرسش ۱۴۴ درخواست از خدا ۱۰۴
- پرسش ۱۴۵ عدم نیاز به خویشاوندان ۱۰۴
- پرسش ۱۴۶ خویشاوندان قابل توجه ۱۰۵
- پرسش ۱۴۷ مزایای خویشاوندان نیک ۱۰۵
- پرسش ۱۴۸ بهتر از میراث ۱۰۵
- پرسش ۱۴۹ سفارش در مورد خویشاوندان ۱۰۶

خطبه بیست و چهار: (گمراهان و مخالفین حق)

- پرسش ۱۵۰ عدم مدارا با مخالفین حق ۱۰۷
- پرسش ۱۵۱ توصیه به گمراهان ۱۰۷

خطبه بیست و پنج: (علل پیروزی شامیان بر کوفیان)

- پرسش ۱۵۲ پیش بینی امام علیه السلام از حرکت معاویه از شام به کوفه ۱۰۹

- پرسش ۱۵۸ ابراز نگرانی امام علیه السلام از شکست مسلمانان در شهر یمن ۱۰۹
- پرسش ۱۵۹ آیا مسلمانان یمن قابل اعتمادند؟ ۱۱۰
- پرسش ۱۶۰ امت جفاکاری که دل امام علیه السلام را شکستند ۱۱۰
- پرسش ۱۶۱ استغاثه امام علیه السلام با خدا پس از نفرین به امت جفاکار خود ۱۱۱

خطبه بیست و شش: (از بعثت تا بیعت)

- پرسش ۱۵۲ فرهنگ زندگی مردم قبل از بعثت ۱۱۲
- پرسش ۱۵۳ بی وفایی یاران امام علیه السلام پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۱۳
- پرسش ۱۵۴ چگونگی بیعت عمرو عاص با معاویه ۱۱۳
- پرسش ۱۵۵ احساس خطر امام علیه السلام از بیعت عمرو عاص با معاویه ۱۱۴
- پرسش ۱۵۶ تاسیه امام علیه السلام به صبر و استقامت ۱۱۴

خطبه بیست و هفت: جهاد در راه خدا

- پرسش ۱۵۷ جهاد در راه خداوند ۱۱۵
- پرسش ۱۵۸ لباس بیعت با جهاد گریزان ۱۱۵
- پرسش ۱۵۹ اعلام خطر حمله ثقیف به کوفه ۱۱۶
- پرسش ۱۶۰ بی کفایتی کوفیان ۱۱۷
- پرسش ۱۶۱ غنیمت بردن شامیان از مردم کوفه ۱۱۷
- پرسش ۱۶۲ نافرمانی کوفیان از امام علیه السلام ۱۱۷
- پرسش ۱۶۳ بهانه نافرمانی کوفیان ۱۱۸
- پرسش ۱۶۴ خشم امام از کوفیان ۱۱۹
- پرسش ۱۶۵ ابراز رنج و ناراحتی امام علیه السلام از آشنایی با کوفیان ۱۱۹
- پرسش ۱۶۶ جفای قریش به امام علیه السلام ۱۱۹

خطبه بیست و هشت: (دنیا و آخرت)

- پرسش ۱۶۷ وضعیت دنیا و آخرت ۱۲۱
- پرسش ۱۶۸ توصیه امام علیه السلام نسبت به زندگی در دو سرا ۱۲۱
- پرسش ۱۶۹ پرسش امام علیه السلام از یاران ۱۲۱
- پرسش ۱۷۰ مرگ چه کسانی زیانبار است؟ ۱۲۲

۱۲۲	پروشی ۱۸۱	عمل الهی
۱۲۲	پروشی ۱۸۲	غافلان در خواب
۱۲۳	پروشی ۱۸۳	حق گریزان
۱۲۳	پروشی ۱۸۴	نگرانی امام علیه السلام از عمل شیعیان
خطبه بیست ونه: (کوفیان)		
۱۲۴	پروشی ۱۸۵	عدم وحدت، علت شکست کوفیان
۱۲۴	پروشی ۱۸۶	یاری خواستن از مردم کوفه ذلت و خواری است
۱۲۵	پروشی ۱۸۷	راه کسب حق و دفع باطل
۱۲۵	پروشی ۱۸۸	ایمانی واهی کوفیان
۱۲۵	پروشی ۱۸۹	پرسیدن از یاران را نخوريد
۱۲۶	پروشی ۱۹۰	ایمان به یاری کوفیان تهدید نمی کنم
۱۲۶	پروشی ۱۹۱	نگرانی امام علیه السلام از خیانت کوفیان
خطبه سی: (قتل عثمان)		
۱۲۷	پروشی ۱۹۲	شایعات دشمن در قتل عثمان
۱۲۷	پروشی ۱۹۳	خلاصه ای از وقایع عثمانی
خطبه سی و یک: (طلحه و زبیر)		
۱۲۹	پروشی ۱۹۴	تعبیر امام علیه السلام نسبت به طلحه
۱۲۹	پروشی ۱۹۵	امام علیه السلام عبدالله بن عباس را به سوی زبیر می فرستد
خطبه سی و دو: (بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم)		
۱۳۱	پروشی ۱۹۶	روزگار بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۱۳۱	پروشی ۱۹۷	اقسام مردم
۱۳۲	پروشی ۱۹۸	وضعیت پاکان در جامعه مسخ شده
۱۳۲	پروشی ۱۹۹	زندگی نیکان در جامعه مسخ شده
۱۳۳	پروشی ۲۰۰	روش برخورد با دنیا
خطبه سی و سه: (ارزش حکومت)		
۱۳۴	پروشی ۲۰۱	بی ارزشی حکومت از نگاه امام علیه السلام

- پروش ۱۹۱ بعثت پیامبر اکرم ﷺ ۱۳۴
- پروش ۱۹۲ رستگاری مردم جاهل بدست پیامبر ﷺ ۱۳۵
- پروش ۱۹۳ ویژگی های نظامی و اخلاقی امام علی ﷺ ۱۳۵
- پروش ۱۹۴ شکایت از فتنه گری قریش ۱۳۵
- پروش ۱۹۵ انتقام قریش از امام ﷺ ۱۳۶

خطبه سی و چهار: (خصوصیات مردم کوفه)

- پروش ۱۹۶ سستی و نافرمانی کوفیان ۱۳۷
- پروش ۱۹۷ ترس کوفیان از شرکت در جنگ ۱۳۷
- پروش ۱۹۸ کوفیان قابل اعتماد نبودند ۱۳۸
- پروش ۱۹۹ بزرگی مردم کوفه ۱۳۸
- پروش ۲۰۰ غنای مسلمانان ۱۳۸
- پروش ۲۰۱ بلای عدم ماندگی مردم کوفه ۱۳۹
- پروش ۲۰۲ بی وفایی کوفیان ۱۳۹
- پروش ۲۰۳ عدم اعتماد امام ﷺ از مردم کوفه در جنگ ۱۳۹
- پروش ۲۰۴ عجز در مقابل دشمن ۱۳۹
- پروش ۲۰۵ صلابت امام ﷺ در برابر دشمنان ۱۴۰
- پروش ۲۰۶ حقوق متقابل مردم و رهبر ۱۴۰

خطبه سی و پنج: (خدا باوری - ماجرایی حرم و نیرنگ عمرو عاص)

- پروش ۲۰۷ اعتقاد و باور امام ﷺ به خدا و رسول الله ﷺ ۱۴۱
- پروش ۲۰۸ علل شکست کوفیان ۱۴۱
- پروش ۲۰۹ رأی و فرمان امام ﷺ نسبت به حکمیت ۱۴۲
- پروش ۲۱۰ حکایت مخالفت مردم از رأی امام ﷺ ، چون حکایت برادر هوازنی شد ۱۴۲

خطبه سی و شش: (تلاش امام ﷺ در هدایت دشمن)

- پروش ۲۱۱ هشدار امام ﷺ به خوارج نهروان ۱۴۳
- پروش ۲۱۲ گرفتاری خوارج در فاجعه حکمیت ۱۴۳

خطبه سی و هفت: (ویژگی های امام علی (ع))

- پروش ۲۸۴ فضائل امام علی (ع) ۱۴۵
 پروش ۲۸۵ کسی از امام علی (ع) نتوانست عیبی بیابد ۱۴۶
 پروش ۲۸۶ مردم جامعه نزد امام علی (ع) ۱۴۶
 پروش ۲۸۷ علت سکوت و کناره گیری امام علی (ع) از خلافت ۱۴۶

خطبه سی و هشت: (تعریف شبیهه)

- پروش ۲۸۸ ضرورت شناخت شبیهات ۱۴۸
 پروش ۲۸۹ مرگ و زندگی ۱۴۸

خط سی و نهم: (کوفیان و تهاجم دشمنان)

- پروش ۲۹۰ کوهش کوفیان ۱۴۹
 پروش ۲۹۱ نه تنها دشمنان به سرزمین مسلمین و فریاد امام علی (ع) بر کوفیان ۱۴۹
 پروش ۲۹۲ با کوفیان هدف نمی رسیم ۱۵۰
 پروش ۲۹۳ کوفیان برای من رایاری نمی کنند ۱۵۰

خطبه چهل: (ضرورت حکمت)

- پروش ۲۹۴ شعارخارج (لا حکم الا لله) ۱۵۱
 پروش ۲۹۵ مردم درسایه حکومت اسلام ۱۵۱

خطبه چهل و یک: (حیله و نیرنگ)

- پروش ۲۹۶ پرهیز از حیله و نیرنگ ۱۵۳
 پروش ۲۹۷ چه کسی اهل خیانت و نیرنگ است؟ ۱۵۳
 پروش ۲۹۸ اهل حیله و نیرنگ اهل تدبیر نیست! ۱۵۴
 پروش ۲۹۹ استفاده از فرصت نیرنگ یا عدم آن ۱۵۴

خطبه چهل و دو: (پرهیز از آرزوهای طولانی و هواپرستی)

- پروش ۳۰۰ از ارتکاب مردم به دو چیز می ترسم ۱۵۵
 پروش ۳۰۱ دنیا و آخرت فرزندی دارد ۱۵۵
 پروش ۳۰۲ امروز، روز عمل و فردا روز حساب است ۱۵۶

خطبه چهل و سه: (واقع نگری)

- پروش ۱۲۲۲ واقع نگری امام علیه السلام در برخورد با دشمن ۱۵۷
- پروش ۱۲۲۳ اقامت «خبر» پیک امام علیه السلام در شام ۱۵۷
- پروش ۱۲۲۵ کدام راه، مدارا، یا پیکار؟! ۱۵۸

خطبه چهل و چهار: (فرار مصقله)

- پروش ۱۲۲۴ تأسف از فرار مصقله ۱۵۹
- پروش ۱۲۲۷ مدارا با مصقله، اگر فرار نمی کرد ۱۵۹

خطبه چهل و پنج: (روشن برخورد با دنیا)

- پروش ۱۲۲۸ رحمت و نعمت و آمرزش خداوند ۱۶۱
- پروش ۱۲۲۹ چیست؟ ۱۶۱
- پروش ۱۲۳۰ دینی ۱۶۲
- پروش ۱۲۳۱ دنیا گونه باشیم ۱۶۲

خطبه چهل و شش: (دعای فر)

- پروش ۱۲۳۲ نیایش امام علیه السلام با خداوند ۱۶۳

خطبه چهل و هفت: (پیرامون کوفه)

- پروش ۱۲۳۳ خبر از آینده کوفه ۱۶۴
- پروش ۱۲۳۴ کوفه مرکز شیعیان ۱۶۴
- پروش ۱۲۳۵ خبر از آینده ستمگران در شهر کوفه ۱۶۵

خطبه چهل و هشت: (اقدامات رزمی امام علیه السلام)

- پروش ۱۲۳۶ ضرورت آمادگی رزمی ۱۶۶
- پروش ۱۲۳۷ اقدام امام علیه السلام برای تقویت لشکرش ۱۶۶

خطبه چهل و نه: (پیرامون معرفت الهی)

- پروش ۱۲۳۸ خداشناسی امام علیه السلام ۱۶۷
- پروش ۱۲۳۹ خدای پنهان ۱۶۷
- پروش ۱۲۴۰ خدا به مخلوقش نزدیک است ۱۶۷
- پروش ۱۲۴۱ جایگاه بلند خداوند ۱۶۸

پروش ۱۵۶ منعی در شناخت خدا نیست ۱۶۸
خطبه پنجاه: (فتنه ها)

پروش ۱۵۷ پیدایش فتنه ۱۶۹

پروش ۱۵۸ بدعت در احکام چیست ؟ ۱۶۹

پروش ۱۵۹ سلطه گروهی بر گروه دیگر ۱۷۰

پروش ۱۶۰ چرا شناخت حق دشوار است ۱۷۰

پروش ۱۶۱ پیامد عدم جدایی حق از باطل ۱۷۰

خطبه پنجاه و یک: (جنگ صفین)

پروش ۱۶۲ ورود سپاه اسلام در صفین ۱۷۱

پروش ۱۶۳ بستن آب به روی لشکر امام علیه السلام ۱۷۱

پروش ۱۶۴ از روی فرات توسط امام حسن مجتبی علیه السلام ۱۷۲

پروش ۱۶۵ توبه امام علیه السلام از مرگ و زندگی ۱۷۲

پروش ۱۶۶ تحریک معاویه علیه امام علیه السلام ۱۷۲

خطبه پنجاه و دو: (دنیا و ارزش نعمت ها)

پروش ۱۶۷ دنیا و اوصاف آن ۱۷۳

پروش ۱۶۸ تکلیف ما چیست ؟ ۱۷۳

پروش ۱۶۹ ارزش نعمت های خداوند ۱۷۴

پروش ۱۷۰ بیان ارزش نعمت ایمان ۱۷۴

خطبه پنجاه و سه: (وصف قربانی)

پروش ۱۷۱ کدام قربانی ؟ ۱۷۶

خطبه پنجاه و چهار: (بیعت با امام علیه السلام)

پروش ۱۷۲ رجوع مردم به امام علیه السلام پس از مرگ عثمان ۱۷۷

پروش ۱۷۳ ارزیابی امام علیه السلام در مسئله معاویه ۱۷۷

خطبه پنجاه و پنج: (علت تأخیر در جنگ صفین)

پروش ۱۷۴ تعلل و تأخیر در جنگ صفین چرا ؟ ۱۷۳

خطبه پنجاه و شش: (یادی از دوران جنگ پیامبر ﷺ در صفین)

- پروشی ۱۷۸۱ جنگ در رکاب پیامبر خدا ﷺ ۱۸۸۰
پروشی ۱۷۸۲ جنگ در دوران رسول خدا ﷺ چگونه بود؟ ۱۸۰
پروشی ۱۷۸۳ اخلاص عامل پیروزی اسلام ۱۸۶
پروشی ۱۷۸۴ استواری دین ۱۸۵

خطبه پنجاه و هفت: (خبر از سلطه معاویه)

- پروشی ۱۷۸۵ خبر از حاکمیت معاویه توسط امام علیکم ۱۸۲
پروشی ۱۷۸۶ خبر از اقدامات معاویه پس از امام علیکم ۱۸۲

خطبه پنجاه و هشت: (خبر از آینده خوارج)

- پروشی ۱۷۸۷ آیا ب کفر خود شهادت دهم؟! ۱۸۳
پروشی ۱۷۸۸ خبری و ننگ مردم پس از امام علیکم ۱۸۳

خطبه پنجاه و نه: (تنگنا خوارج)

- پروشی ۱۷۸۹ خبر از قتل عام ۱۸۴

خطبه شصت: (تداوم فقر خوارج)

- پروشی ۱۷۹۰ خبر از تداوم فقر خوارج ۱۸۵

خطبه شصت و یک: (نهی از کشتار خوارج)

- پروشی ۱۷۹۱ بعد از من با خوارج نبرد نکنید ۱۸۶

خطبه شصت و دو: (تهدید بر ترور امام علیکم)

- پروشی ۱۷۹۲ قصد ترور امام علیکم ۱۸۷

خطبه شصت و سه: (چگونگی برخورد با دنیا)

- پروشی ۱۷۹۳ تعریف دنیا ۱۸۸

- پروشی ۱۷۹۴ مردم به وسیله دنیا آزمایش می شوند ۱۸۸

- پروشی ۱۷۹۵ دنیا در نظر خردمندان ۱۸۹

خطبه شصت و چهار: (گرایش به اعمال نیک)

- پروشی ۱۷۹۶ توصیه به کار پسندیده ۱۹۰

- پروشی ۱۷۹۷ انتظار امام علیکم در بیداری شیعیانش ۱۹۰

- پروش ۱۳۸۸ بیهوده آفریده نشده ایم ۱۹۱
- پروش ۱۳۸۹ سفارش امام به مسافران در این دنیا ۱۹۱
- پروش ۱۳۹۰ شیطان همواره در تعقیب انسان‌ها ۱۹۱
- پروش ۱۳۹۱ بنده شایسته خدا کیست؟ ۱۹۲
- پروش ۱۳۹۲ وای بر غافلان! ۱۹۲
- پروش ۱۳۹۳ دعای امام علیه السلام در حق شیعیانش ۱۹۲

خطبه شصت و پنج: (شناخت صفات خداوند)

- پروش ۱۳۹۴ توصیف عظمت، بزرگی خدا ۱۹۴
- پروش ۱۳۹۵ در کجاست؟ ۱۹۴
- پروش ۱۳۹۶ خدا قادر مطلق است ۱۹۴

خطبه شصت و شش: (امام و آموزش نظامی در جنگ صفین)

- پروش ۱۳۹۷ سفارش نظامی امام به لشکریان خود ۱۹۶
- پروش ۱۳۹۸ ارائه تکنیک و جنگ مبارزه با معاویه ۱۹۷
- پروش ۱۳۹۹ اراده سست عند معاویه ۱۹۷
- پروش ۱۴۰۰ خدا با شماست ۱۹۸

خطبه شصت و هفت: (جریان خبر سیفه)

- پروش ۱۴۰۱ گفتگوی امام علیه السلام با خبردهنده جریان سیفه ۱۹۹
- پروش ۱۴۰۲ سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد انصار ۱۹۹
- پروش ۱۴۰۳ استدلال قریش (مهاجر) در جریان سیفه ۲۰۰

خطبه شصت و هشت: (جابجایی فرماندار مصر)

- پروش ۱۴۰۴ انتصاب محمد بن ابی بکر به فرمانداری مصر ۲۰۱
- پروش ۱۴۰۵ دوست داشتم هاشم بن عتبّه فرماندار مصر شود ۲۰۱
- پروش ۱۴۰۶ شهادت محمد بن ابی بکر (فرماندار مصر) ۲۰۱

خطبه شصت و نه: (امام علیه السلام، و نکوهش به مردم کوفه)

- پروش ۱۴۰۷ سختی مدارای امام علیه السلام با کوفیان ۲۰۳
- پروش ۱۴۰۸ فرار کوفیان از حمله لشکریان شام ۲۰۳

- پرسش ۱۳۹۹ کوفیان برای جنگ قابل اعتماد نیستند ۲۰۴
- پرسش ۱۳۹۵ اصلاح کوفیان بر روح من ضربه می زند ۲۰۴
- پرسش ۱۳۹۱ عمل وارونه کوفیان نسبت به حق و باطل ۲۰۴
- خطبه هفتاد: (نفرین امام علیه السلام به امت جفاکار)
- پرسش ۱۳۹۲ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در رؤیای امام علیه السلام در سحرگاه ۲۰۶
- پرسش ۱۳۹۲ امت جفاکارم را نفرین کن ۲۰۶
- منابع و ماخذ ۲۰۸



پیشگفتار

نهج البلاغه کتاب ارزشمند و بی‌سنگی است که به اعتراف دوست و دشمن از جامعیت و نورانیت خاصی برخوردار است. کتابی است که بعد از قرآن و کلام رسول اکرم (ﷺ) نافع‌ترین و نافذ‌ترین آن را در فصاحت و بلاغت دارد و بهترین آیین زیستن و روشن‌ترین راه رسیدن به ارزش‌های انسانی و وسیع‌ترین بستر خودیابی و خداشناسی است.

گردآورنده نهج البلاغه کیست؟

نام او محمد کنیه‌اش ابوالحسن ملقب به سید رضی یا شریف موسی بن موسی باشد که در سال ۳۵۹ هجری قمری مصادف با ۹۷۰ میلادی در عراق شریف‌آباد در خانواده مذهبی و علمی دیده به جهان گشود.

خاندان سید رضی از بزرگان علمی و دینی شیعه امامیه هستند که نسبش از جانب پدر با پنج واسطه به حضرت موسی بن جعفر امام هفتم (ع) می‌رسد: «ابوالحسن محمد بن حسین بن موسی بن محمد بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر (ع)» به همین جهت او را موسوی نیز می‌خوانند و از جانب مادر نیز به امام حسین (ع)

منتسب می‌شود از این رو او را «ذو الْحَسَنِین» نیز می‌گویند، سید توسط بهاء الدوله ابونصر ابن بویه، لقب «رضی ذو الْحَسَنِین» به او اعطاء و او را «الشریف الاجل» خطاب کردند و از همین جهت او را شریف رضی یا سید رضی می‌گویند.

سید رضی یکی از بزرگترین نوابغ جهان تشیع به شمار می‌رود که هنوز چند سالی از عمر کودکی اش نگذشته بود، که آوازه هوش زاید الوصفش همه جا رسیده و زبانزد عام خاص گردید، همه مردم، خاصه بزرگان علمی، آینده درخشانی را برای ایشان پیش بینی می‌کردند. سید، در ده سالگی شعرهای پر مغزی می‌سرود که حقیقتاً در نظم و نثر منحصر به فرد بود تا جایی که استادش بر شعر ایشان شرح نوشتند، مرحوم علامه مجلسی فرمود، یعنی کمتر از پانزده سالگی نزد اساتید بزرگ، مبتکرین علوم ادب و فقه، مدارج عالی را کسب نمود و از سن هفده سالگی بر کرسی تدریس و تألیف و تصنیف نشست، و در کمتر از بیست سالگی به درجه اجتهاد رسید و به تمام علوم متداول زمان خودش جمله علوم فقه و اصول، تفسیر و حدیث و علم کلام مهارت داشت و در ده سالگی حافظ تمام قرآن بود. ایشان فقیهی جامع الشرایط، ادیب و مفسر بزرگ قرآن به حساب می‌آید. استاد مسلم، وجودش چون خورشید در محافل علمی می‌درخشید، ایشان در سال ۴۸۸ هجری در سن ۲۹ سالگی پس از وفات پدرش مرجع تقلید شیعیان شد؛ تألیفات ایشان در شمار عالی ترین آثار علمی قرار گرفت که مشهورترین آثار جاویدان او کتاب گرانقدر نهج البلاغه می‌باشد.

وفات سید رضی (ره)

سید رضی در بامداد یکشنبه ششم محرم الحرام سال ۴۸۶ در سن ۴۷ سالگی اوایل قرن پنجم از دنیا رفت و درگذشت ناگهانی او در میان مردم در دلها ایجاد کرد که تمام وزراء و اشراف و فقهاء و قضات سنی و شیعیان پانزده برهنه به در خانه‌اش آمدند. برادر بزرگش سیدمرتضی به قدری از مرگ وی غمناک گردید که تاب نیاورد جنازه او را بنگرد و حتی بر او نماز بخواند، ولذا فرمود: کسی بر او نماز بخواند و خود از شدت غم و الم به شهر کاظمین حرم مطهر امام موسی کاظم (ع) رفت.

بنابراین فخر الملک وزیر بهاء الدوله بر او نماز خواند و بعد بدن مطهرش را در بغداد در محله کرخ در خانه خود سید دفن کردند و عصر همان روز فخرالملک وزیر

به حرم مطهر امام هفتم رفت و سیدمرتضی را به بغداد بازگردانید...؛ شریف رضی با این سن کم از لحاظ کمیت و کیفیت خدمات بسیار ارزنده به جهان اسلام نمود و نوشته اند چندی پس از وفات، جسد او را از محله کرخ به کربلای حسینی انتقال داده و نزدیک قبر جدش ابراهیم مجاب فرزند باب الحوائج دفن نمودند.

پدر مرحوم سید رضی (ره)

ابن ابی الحدید در جلد اول شرح نهج البلاغه می نویسد:
پدر سید رضی که حسین بن احمد نام دارد معروف به طاهر ذوالمنقب از شخصیت های بزرگ علمی و مردی بلند آوازه بود و زعامت و مرجعیت جهان تشیع را نبهاده بود و در حکومت وقت به عنوان نامی ترین شخصیت علوی بارها به سرپرستی عباس و سادات دودمان ابوطالب (علیهم السلام) در بغداد منصوب شد. حاکم وقت عضدالدوله دیلمی هنگامی که وارد بغداد شد، چون نفوذ او را در میان شیعیان دید از وی پرسید و لذا ایشان را دستگیر کرده و به ایران قلعه فارس «شیراز» تبعید و در آنجا به زندان افکند.

ایشان هفت سال در زندان ماند و اینها پس از مرگ عضدالدوله، فرزندش (شرف الدوله) که حاکم کرمان بود، سفر به بغداد، پدر سید رضی ابو احمد را از زندان آزاد می کند و با خود به بغداد می برد. ایشان پس از مدت ها زعامت شیعیان در اواخر عمر نابینا شد و در سن ۹۷ سالگی دار فانی را وداع گفت.

مادر سید رضی (ره)

ایشان نیز از بانوان علویه و همنام جدّه اش فاطمه زهرا (علیها السلام) - و بانویی با شخصیت، دانشمند و بافضیلت بود. و نسبش به امام علی (علیه السلام) بر می گردد، در زمانی که پدر سید رضی در زندان بود مسئولیت زندگی و تربیت این کودکان (سید رضی و سید مرتضی) را مادرش عهده دار شد، و لذا این بانو بزرگوار روزی تصمیم می گیرد تا فرزندانش را به جهت کسب علم و دانش، نزد عالم فرزانه شیخ مفید ببرد؛ ابن ابی الحدید (ره) در مقدمه شرح نهج البلاغه خویش در ارتباط با عظمت و مقام رفیع این بانوی فاضله و دو فرزند شایسته اش، محمد و علی معروف به «سید رضی» و «سعید مرتضی» به نقل از دانشمند و فقیه مشهور

شیعه سید فخر موسوی علامه حلی (ره) می‌نویسد:

«شیخی شیخ مفید در خواب دیدند: حضرت زهرا - سلام الله علیها -، دختر گرامی پیامبر ﷺ، دست امام حسن و امام حسین را گرفته نزد وی آوردند و پس از سلام به شیخ فرمودند: این دو پسر من هستند به آنها علم فقه و احکام دین بیاموز!»

شیخ مفید پس از بیداری در شگفت ماند که این چه خوابی بود! فردای آن شب که شیخ مفید طبق معمول در «مسجد براثا» واقع در محله شیعه نشین کرخ بغداد نشسته بودند و شروع به تدریس نمودند، ناگهان دیدند، بانویی با کمال وقار، در حالی که دست دو کودک خود را در دست دارد وارد شد و به شیخ سلام کرد و گفت: من همسر طاهر و آلاء بن ابی حمزه، و این دو کودک فرزند من هستند، آنها را نزد شما آورده‌ام تا علم فقه و احکام دین را به آنها بیاموزی! شیخ بزرگوار و مرجع عالی‌قدر شیعه از آن خواب و این تعبیر در خواب به یاد ماند و اشک از دیدگانش جاری شد. سپس به احترام آن بانوی بزرگوار و آن کودک، سرشت، شیخ از جای برخاست و به مادرشان سلام کرد و خواب خود را برایشان نقلی نمود.

آن‌گاه با کمال اشتیاق و تربیت آنها را به عهده گرفته و در ارتقای آنها به مدارج عالی علمی و عمیق همگامی داشت، تا آنکه آن دو برادر از نواذب بزرگ و علمای نامدار عصر شدند.^۱

گویند: شیخ مفید (ره)، سرآمد فقهای شیعه، کتاب «احکام النساء» را برای این بانوی بزرگوار تألیف کرده است. ایشان در مقدمه این کتاب می‌نویسد:

من از سیده جلیله فاضله اطلاع یافتم که مادر این کتابی هستند مشتمل بر همه احکامی که مکلفین مخصوصاً زنان محتاج به آن هستند، لذا او علاقه خود را برای تألیف این کتاب به من اطلاع داد و من تصمیم گرفتم این کتاب را برای ایشان تألیف نمایم.^۲

نهج البلاغه از نگاه سید رضی (ره) و دانشمندان و شخصیت‌های علمی جهان

سید رضی (ره) در این مورد می‌فرماید: نهج البلاغه کتابی است از سخنان مولی

۱. منتظم ابن جوزی، ج ۷، صفحه ۸۹ نیز آمده است.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۳.

امیرالمومنین علی علیه السلام که از جهت بلاغت شگفتیهایی و از جهت فصاحت شیوایی و تازگیهایی و از زبان عرب کلمات درخشان و نافذ دینی و گوهرهایی درخشان و تابان در بردارد. آنچنان که همه این محاسن در هیچ سخنی یکجا جمع نشده و در هیچ کتابی گرد نیامده است. زیرا امیر مومنان علیه السلام سرچشمه و زیستگاه فصاحت و رازهای بلاغت آشکار شده می باشد که قوانین آن نیز، از حضرتش اخذ گردیده است... و پس از آن در این کتاب گرد آوری شد نام آن را «نهج البلاغه» یعنی راه آشکار بلاغت نهادم، زیرا این کتاب درهای بلاغت را بر روی کسی می گشاید که آن را مطالعه می کند.

بیدرضی، خطبه ها و کلمات و نامه های مولای متقیان علی علیه السلام را که بعد از قرآن مجید الهی تفسیر است، عمل زندگی و سبب توجه به مبدأ و معاد و آیین چگونه زیستن است از لایب های کتاب و رسایل مختلفه بیرون آورده و با سبکی زیبا و دل پذیر که حاکی از حسن سلیقه و ذوق و شایسته از ادب و معرفت اوست، در چهار بخش تنظیم نموده است. سید سعی کرده تا در هر مورد نکات برجسته سخنان مولای متقیان علی علیه السلام را توضیح داده، و به زینت آرایش و طبعش از خود یکی از بزرگترین اثر جاویدان دینی را که به عنوان اخ القرآن لقب یافت از او به جاویدان و قلب فروزان ناطق قرآن تراوش نموده است، به صورت کتابی جامع و حامل دستاورد بزرگ پویان طریقت و آزادیخواهان راه حق و عدالت قرار داد، و از این راه خدمتی بزرگ به مذهب شیعه و جهان بشریت نمود که تا جهان پایدار است بی شک اثر فنا ناپذیر او نباشد باقی خواهد ماند.

دیدگاه دانشمندان و مشاهیر جهان

بسیاری از ادیبان طراز اول عرب از جمله عبدالحمید کاتب (قرن دوم)، جاحظ (قرن سوم)، قدامة بن جعفر (قرن چهارم)، ابن ابی الحدید (قرن ششم) و خلیل بن احمد فراهیدی (قرن هشتم) فصاحت کلام علی علیه السلام را ستوده اند. از جمله در کتاب خود البیان والتبیین که به شهادت ابن خلدون یکی از ارکان چهارگانه ادب محسوب می شود با نقل یکی از سخنان علی علیه السلام می گوید «اگر فقط همین عبارت به دست ما رسیده بود کفایت می کرد و برای دلالت داشتن بر فصاحت و بلاغت در عالی ترین مرتبه جای می گرفت و با وجود آن برای پی بردن به ارزش بلاغی سخنان علی علیه السلام به دیگر سخنانش نیاز نداشتیم»

علی الجندی رئیس دانشکده علوم در دانشگاه قاهره در مقدمه کتاب علی بن ابی طالب، شعره و حکمه درباره نثر علی (ع) می گوید: «نوعی خاص از آهنگ موسیقی که بر اعماق احساسات پنجه می افکند در این سخنان هست، از نظر سجع، چنان منظوم است که می توان آنرا شعر منثور نامید.» شیخ محمد عبده از مفتیان پیشین مصر تصادفاً با نهج البلاغه آشنا شده، شیفته ی آن می شود و به شرح این مجموعه و تبلیغ آن در میان جوانان مصری می پردازد. وی در ادامه شرح خود می گوید: «در همه ی مردم عرب زبان یک نفر نیست مگر آنکه معتقد است سخن علی (ع) بعد از قرآن و کلام نبوی شریف ترین و بلیغ ترین و معتبرترین جامع ترین سخنان است.» ...

سید علی (ع) در آینه نهج البلاغه

بی شک آینه ی شایسته ی هر صاحب قلم و بیان را در ترسیم اندیشه و باورهای قلبی او می توان جست و کشف. سمای علی (ع) در آینه نهج البلاغه مبتنی شخصیت والای او و بهترین نماد انسانست. می باشد، انسان هر چه قدر در مقام و منزلت علی (ع) جستجو می کند، پی به کوچکی و حقیر بودن خود می برد، وقتی او را در اوج می بیند، خود را ریز، و آنگاه که او را در اوج و کامل می بیند خود را اندک و ناچیز می بیند؛ لذا کسی نمی تواند اعلی بودن علی (ع) را به عرف تعریف بنشانند جز چشمان گریان، و زبان بزبان، و قلب حیرانش.

علی (ع) از دوران کودکی اش سخن می گوید:

حضرت علی (ع) در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه این چنین از دوران کودکی اش سخن می گوید: «من در خردسالی، بزرگان عرب را به خاک می کشیدم و شجاعان دو قبیله معروف «ربیع» و «مضر» را در هم شکستم! [ای مردم] شما را رقیعت مرا نسبت به رسول خدا (ص) در خویشاوندی... و مقام و منزلت و... من را می دانید. پیامبر (ص) مرا در اتاق خویش می نشاند. در حالی که کودکی بودم مرا در آغوش خود می گرفت و در بستر مخصوص خود می خوابانید بدنش را به بدنم می چسباند و بوی پاکیزه او را استشمام می کردم و گاهی غذا را لقمه لقمه در دهانم می

گذارد، هرگز دروغی در گفتار من و اشتباهی در کردارم نیافت. من همواره با پیامبر صلی الله علیه و آله بودم و چونان فرزند که همواره با مادر است. پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز نشانه تازه ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می فرمود و به من فرمان می داد که به او اقتدا نمایم. پیامبر صلی الله علیه و آله چند ماه از سال را در غار حرا می گذراند، تنها من او را مشاهده می کردم و کسی جز من او را نمی دید، در آن روزها، در هیچ خانه ای اسلام راه نیافت. در خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله که حضرت خدیجه هم در آن بود و من سؤمین آنان بودم. من نوحی و رسالت را می دیدم و بوی نبوت را می بوییدم، من هنگامی که وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود می آمد، ناله شیطان را شنیدم، گفتم: ای رسول خدا! این ناله کیست؟ گفت: بطلان است که از پرستش خویش مأیوس گردید و بعد خطاب به مولا فرمود: علی جان! به آنچه را من می شنوم، می شنوی و آنچه را که من می بینم، می بینی، جز اینکه تو پیامبر نیستی، بلکه وزیر من بوده و به راه خدا می روی.»

یک سؤال مشتق از زبان در ده زمان از علی علیه السلام، و ده جواب متفاوت از امام علیه السلام:

مرحوم بحرانی در جلد اول کتاب اشکال خود به نقل از علی علیه السلام آورده: جمعیت زیادی دور حضرت علی علیه السلام ملاقات کرده بودند. مردی وارد مسجد شد و در فرصتی مناسب پرسید:

یا علی! سؤالی دارم؟ حضرت فرمودند بپرس: آن مرد پرسید: یا علی! علم بهتر است یا ثروت؟

علی علیه السلام در پاسخ فرمود: علم بهتر است؛ زیرا علم میراث نبی است و مال و ثروت میراث قارون و فرعون و هامان و شداد است.

در همان حال مرد دیگری وارد مسجد شد و بلافاصله گفت: یا علی! سؤالی دارم، می توانم بپرسم؟ امام فرمودند: شما هم بپرسید! گفت یا علی! علم بهتر است یا ثروت؟

امام در جواب ایشان هم فرمود: علم بهتر است؛ زیرا علم تو را حفظ می کند، ولی مال و ثروت را تو باید حفظ کنی

نفر سوم وارد شد، او نیز همان سؤال را تکرار کرد، و امام در پاسخش فرمود: علم بهتر است؛ زیرا برای شخص عالم دوستان بسیاری است، ولی برای

ثروتمند دشمنان بسیار نفر چهارم وارد شد همان سؤال را تکرار کرد حضرت در پاسخ فرمودند: علم بهتر است؛ زیرا اگر از مال اتفاق کنی کم می شود ولی اگر از علم اتفاق کنی و آن را به دیگران بیاموزی بر آن افزوده می شود. نفر پنجم نیز وارد مسجد شد و از امام همان سؤال را پرسید: امام فرمودند: علم بهتر است؛ زیرا مردم شخص ثروتمند را بخیل می دانند، ولی از عالم و دانشمند به بزرگی و عظمت یاد می کنند.

نفر ششم آمد از امام همان پرسش را نمود: امام در جواب گفتند: علم بهتر است؛ زیرا ممکن است مال را دزد ببرد، اما علم هرگز و خدای عز و جل از دستبرد به علم وجود ندارد. مهملی در میان مردم افتاد؛ چه خبر است امروز! چرا همه یک سؤال را می پرسند؟ نگاه متعجب مردم گاهی به حضرت علی و گاهی به تازه واردها دوخته می شد. در همین هنگام همین نفر وارد مسجد شده و پرسید یا علی: علم بهتر است یا ثروت؟

امام فرمودند: علم بهتر است؛ زیرا مال به مرور زمان کهنه می شود، اما علم هرچه زمان بر آن بگذرد، پوسیده و خراب نمی شود. در همین هنگام هشتمین نفر وارد شد و سؤال دوستانش را تکرار کرد که امام در پاسخ فرمود:

علم بهتر است؛ برای اینکه مال و ثروت فقط هنگام مرگ با صاحبش می ماند، ولی علم، هم در این دنیا و هم پس از مرگ در دستان انسان است. سکوت، مجلس را فراگرفته بود، کسی چیزی نگفت. همه از پاسخ های امام شگفت زده شده بودند که

نهمین نفر هم وارد مسجد شد و در میان بهت و حیرت می پرسید:
یا علی! علم بهتر است یا ثروت؟

امام در حالی که تبسمی بر لب داشت، فرمود: علم بهتر است زیرا مال و ثروت انسان را سگدل می کند، اما علم موجب نورانی شدن قلب انسان می شود. در همین حال مردی که دست کودکی در دستش بود، وارد مسجد شد. او در آخر مجلس نشست و مشتی خرما در دامن کودک ریخت و به روبهرو

چشم دوخت. مردم که فکر نمی کردند دیگر کسی چیزی بپرسد، سرهایشان را برگرداندند، که در این هنگام مرد پرسید یا علی! علم بهتر است یا ثروت؟ امام فرمودند: علم بهتر است؛ زیرا ثروتمندان تکبر دارند، تا آنجا که گاه ادعای خدایی می کنند، اما صاحبان علم همواره فروتن و متواضع اند

سؤال کنندگان، آرام و بی صدا از میان جمعیت برخاستند. هنگامی که آنان هر یک را ترک می کردند، صدای امام را شنیدند که می فرمود: اگر تمام مردم دنیا چنین یک سؤال را از من می پرسیدند، به هر کدام پاسخ متفاوتی می دادم

پیغمبر از خود سخن می گوید

حضرت پیغمبر ﷺ در خطبه های زیادی از ویژگی های خود سخن به میان آورده است. با توجه به چند خطبه در این خصوص اشاره می کنیم؛ حضرت در خطبه ۴ نهج البلاغه می فرماید: «... برای وا داشتن شما به راه های حق، که در میان جاده ای گمراه کننده بود، به من خاصه در حالی که سرگردان بودید و راهنمایی نداشتید، تشنه کام هر چه زمین را می گشتن قطره آبی نمی یافتید، امروز زبان بسته را به سخن می آورم، دور باد رأی کسی من مخالفت کند! از روزی که حق به من نشان داده شد. هرگز در آن شک و تردید نکردم. کناره گیری من چونان حضرت موسی ﷺ برابر ساحران است که بر خویش بیمناک نبود، ترس او برای این بود که مبادا جاهلان پیروز شده و دولت گمراهان را کم آورد.»

در خطبه ۱۶ نهج البلاغه، می فرماید: «... به خدا سوگند! کلمه ای از حق را نپوشاندم؛ هیچ گاه دروغی نگفته ام؛ از روز نخست، به من مقلد خلافت و چنین روزی خبر داده شدم، آگاه باشید! همانا گناهان چون مرکب های درفتارند که سواران خود (گناهکاران) را عنان رها شده در آتش دوزخ می اندازد.»

در خطبه ۳۳ می فرمایند: به خدا سوگند! من از پیشتازان لشکر اسلام بودم تا آنکه صفوف کفر و شرک تار و مار شد. هرگز ناتوان نشدم و نترسیدم، هم اکنون من همان راه را می روم، پرده باطل را می شکافم تا حق را از پهلوی آن بیرون آورم.

در خطبه ۲۷، سخن از مشکلات و ایستادگی در برابر آن دارد و می فرماید: آنگاه که همه از ترس سست شده، کنار کشیدند، من قیام کردم، و آن هنگام که همه خود را پنهان کردند من آشکارا به میدان آمدم، و آن زمان که همه لب فرو بستند، من

سخن گفتم، و آن وقت که همه باز ایستادند من با راهنمایی نور خدا به راه افتادم، در مقام حرف و شعار صدایم از همه آهسته تر بود اما در عمل برتر و پیشتاز بودم. زمام امور را به دست گرفتم و جلوتر از همه پرواز کردم، پاداش سبقت در فضیلت ها را بردم، همانند کوهی که تندبادها آن را به حرکت در نمی آورد و طوفان ها آن را از جای بر نمی کند، کسی نمی توانست عیبی در من بیابد و سخن چینی، جای عیب جویی در من نمی یافت. ذلیل ترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را باز گردانم و نیرومند در لمر من پست و ناتوان است تا حق را از او باز ستانم.

در خطبه ۷۸ می فرماید: مردم! عذرخواهی کنید از کسی که دلیلی بر علیه او دارید. من می باشم. مگر من در میان شما بر اساس ثقل اکبر «که قرآن است» عمل نکردم؟ و ثقل اصغر «عترت پیامبر (ص)» را در میان شما باقی نگذاشتم؟ مگر من پرچم شما را در بین شما استوار نساختم؟ و از حدود و مرز حلال و حرام آگاهی تان ندادم. مگر من عافیت را با عدل خود به اندام شما نپوشاندم؟ و نیکی ها را با اعمال و کفایت خود در میان شما رواج ندادم؟ و ملکات اخلاق انسانی را به شما نشان ندادم؟ پس و هم در میان خود را در آنجا که چشم دل، ژرفای آن را مشاهده نمی کند و فکرتان توانایی سخن در آن را ندارد، به کار نگیرید.

در خطبه ۹۳ نهج البلاغه میراث برتری و ویژگی های علمی و سیاسی خود، سخن می گویند: ای مردم! من بودم که چشم فتنه را کندم و جز من هیچ کس جرأت چنین کاری را نداشت، آنگاه که امیر مومنان (ع) بی باک بالا گرفت و به آخرین درجه شدت خود رسید.

حضرت علی (ع)، الگوی کامل ایمان است و حجت خود می گوید: همانا من از کسانی هستم که در راه خدا از هیچ سرزنشی نمی ترسم. کسی که سیمای آنها سیمای صدیقان و سخنانشان، سخنان نیکان است، شب زنده داران و روزنی بخشان روزند، به دامن قرآن پناه برده سنت های خدا و رسولش را زنده می کنند، نه تکبر و خودپسندی دارند و نه بر کسی برتری می جویند، نه خیانتکارند و نه در زمین فساد می کنند، قلب های شان در بهشت، و پیکرهایشان سرگرم اعمال پسندیده است...

در خطبه ۱۹۲ فرمود: خداوند مرا به نبرد با سرکشان، پیمان شکنان و کسانی که فساد را بر روی زمین به راه می اندازند فرمان داده است.

«ناکثین» (پیمان شکنان): من با آنها نبرد کردم.

«قاسطین» (متجاوزان): با آنها جهاد نمودم.

«مارقین» (خارج شوندگان از دین): آنان را بر خاک مذلت نشاندم.

امام علی علیه السلام در خطبه ۲۶ نهج البلاغه از واقعه ی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به گونه ای از مظلومیت و تنهایی خود سخن می گویند که قلب هر انسان منصفی اندوهگین می سازد: «پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و بی وفایی یاران، به اطراف خود راه کده یابوری جز اهل بیت خود ندیدم، که اگر مرا یاری کنند، کشته خواهند شد. پس به مرگ آنان رضایت ندادم. چشم پر از خار و خاشاک را ناچار فرو بستم و با گلولی که بر او شکسته در آن گیر کرده بود جام تلخ حوادث را نوشیدم و خشم خویش فرو خوردم و بر نوشیدن جام تلخ تر از گیاه حنظل، شکیبایی نمودم.

در خطبه ۲۷ نهج البلاغه، مظلومیت و تنهایی علی علیه السلام به اندازه ای است که حضرت زبان به شکایت از مردم کوفه می گشایند؛ و می فرماید: «ای مرد نمایان نامرد! ای کودک صفتان! هر دو یک عقل های شما به عروسان پرده نشین شباهت دارد! چقدر دوست داشتم که شما را برگز نمی دیدم و هرگز نمی شناختم!...

و در نهایت علی علیه السلام در خطبه ۷۰ در سال ۲۰ هجری پایان زندگی اش را این گونه بیان می کند: «همان گونه که سست بودم، خواب چشمانم را ربود، رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم، پس گفتم ای رسول خدا! از استتوبه تلخی ها دیدم و از لجبازی و دشمنی آنها چه کشیدم!» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نفرمودی که گفتی: خدا بهتر از آنان را به من بدهد، و به جای من شخص بدی را بر آنها مستجاب کردی...

در پایان، سخن را با نیایش امام علی علیه السلام که در خطبه ۷۱ نهج البلاغه بیان فرمودند خاتمه می دهیم:

«خدایا! از من در گذر آنچه را از من بدان داناتری، و اگر بار دیگر به آن بازگردم تو نیز به بخشایش باز گرد.

خدایا! آنچه از اعمال نیکو که تصمیم گرفتم و انجام ندادم ببخشای.

خدایا! ببخشای آنچه را که با زبان به تو نزدیک شدم، ولی با قلب آن را ترک کردم.

خدایا! ببخشای نگاه های اشارت آمیز، و سخنان بی فایده، و خواسته های بی مورد

دل و لغزش های زبان را.»

آمین یا رب العالمین.

مقدمه

به نام خداوند رحمان و رحیم بدانند آسمان‌ها و زمین؛ ستایش خدایی را که توفیق داد تا قدمی هرچند کوتاه را در این نهج البلاغه بردارم، کتاب ارزشمندی که در عصر شکوفایی علم و دانش مخصوصاً گسترش علوم انسانی، و علیرغم خدماتی که از بزرگان نسبت به آن انجام شد، همچنان در بین مسلمانان جهان تشیع، حوزه‌های علمی و فرهنگی، خاصه جوانان، غریب است. لذا همیشه در این اندیشه بودم، تا چگونه و با چه روشی نهج البلاغه را در میان علاقمندان مخصوصاً جوانان عزیز جامعه به گونه‌ای متفاوت معرفی نمایم. با عنایت به این که علماء، اندیشمندان، و صاحبان قلم و بیان، اقدامات خوبی نموده‌اند، اما با توجه به ارتباط این حقیر با قشر جوان و دانشجویان... احساس می‌کردم مضاعف نموده و با استعانت از خداوند سبحان و توجه حضرت بقیه‌الله عجل الله تعالی فرجه الشریف و عنایت مولای عارفان علی (ع) به این فکر افتادم که نهج البلاغه را به صورت پرسیمان درآورده و با طرح (پرسش از ما و پاسخ از مولا علی (ع) در نهج البلاغه) اقدام نموده‌ام؛ لازم به ذکر است تمام سعی و تلاشم بر این بود تا پرسش‌ها را پس از مطالعه دقیق از متن نهج البلاغه با ذوق شخصی

خود طرح نموده و پاسخ را با حفظ امانت، و بدون هیچ گونه تصرف، ازمن نهج البلاغه با ترجمه و شرح و تفسیر بزرگانی که نامشان در بخش منابع آورده شد، به همراه بخش های مهم از ترجمه ی منظوم امید مجد تهیه نمایم؛ شایان ذکر است این اقدام علیرغم تشویق تعدادی از دوستان، ابتدا با مقداری تعلل صورت گرفت، تا آن که توفیق تشرّف به خانه خدا مکه معظمه (عمره) پیدا شد؛ لذا جهت اطمینان خاطر و آرامش قلبی در شایستگی خدمت به نهج البلاغه، در سال ۱۳۹۰ قمری تمام مولای عارفان علی علیه السلام از خدای رحمان و امیر بیان علیه السلام خواستم تا من در این امر یاری نمایند؛ لذا تفضّل و کرم خداوند سبحان و عنایت امیرمؤمنان علی علیه السلام سرستان و سیمای خندان ادیب و حکیم و عارف عصر و زمان با چشمان بی غش در عالم رویا که عذر بیان نام و تفصیل کلامش دارم شامل حال این بی باغ و گشت و شوق انجام کار در دلم دوچندان شد؛ بنابراین پس از مراجعت از سفر غمناک مصر از گذشته نسبت به تهیه و تنظیم این مجموعه اقدام نموده ام، که لازم بود در جلد اوّل با طرح ۳۱۳ پرسش و پاسخ از ۷۰ خطبه به نیت ۳۱۳ بار امام زمان علیه السلام صلوات الله تعالی فرجه الشریف، بدون هیچ گونه برنامه ریزی قبلی در روز بسیار ارزشمند و عید غدیر خم مورخه ۱۳۹۰/۸/۲۴ به پایان رسید که آن اقدام و این پایان متعجب به نام امیر مؤمنان علی علیه السلام فال نیک است بر این کتابت إن شاء الله؛ باشد که خداوند سبحان در استمرار تدوین جلد های بعدی، این حقیر را یاری فرماید و موضوع حاضر را مفید فایده ی همه ی اقشار، مخصوصاً جوانان عزیز قرار دهد.

وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ وَالنَّاء

سید کیا میرمیران

شهرستان چالوس

۱۳۹۰/۸/۲۴

خطبه اول

(ه) در مقابل خدا ناتوانند)



یا علی علیه السلام چه کسانی از ستودن خداوند عاجز و از شمارش نعمت‌های او ناتوان؛ و از ادای حق او، مانده‌اند؟

جواب امام علیه السلام: الْقَائِلُونَ - اِدْوَنَ - الْجَاهِدُونَ.^۱

سخنوران و حسابگران رتبه‌سگران از ادای حق خداوند سبحان درمانده‌اند^۲

شد ستایش ویژه‌ی پروردگار آن که خلقت را نموده برقرار

هر که او را قدر خود سازد تا کسی نتواند حق او سازد ادا^۳



یا علی علیه السلام سرآغاز دین چیست؟

جواب امام علیه السلام: أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ [مَعْرِفَةُ اللَّهِ].

سرآغاز دین خداشناسی است.^۴

آشنایی با خداوند جهان شد اساس دینداری بر جهان

۱. خطبه اول.

۲. بعضی‌ها با وجود این که اهل سخن و حسابگر و تلاشگر هستند در عین حال توان ادای حق تعالی را ندارند.

۳. امید مجدد. لازم به ذکر است تمام اشعار این کتاب، ترجمه منظوم نهج البلاغه از امید مجدد می باشد.

۴. خطبه اول.